وزارت رفاه جزئیات داده‌های رسمی پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان را منتشر کرد

۶۰ درصد صندلی‌های دانشگاه‌های دولتی در اختیار ۳ دهک بالا

پانیذ رحیمی
خبرنگار گروه اقتصاد

در ایران، نقشه آموزش عالی تصویری از نابرابری اقتصادی و اجتماعی را به رخ می‌کشد؛ جایی که دانشجویان دهک‌های کم‌درآمد با امید و تلاش، به دنبال جایگاهی در دانشگاه‌های دولتی‌اند، اما فرصت‌ها به شکلی نامتوازن توزیع شده‌اند. براساس یک گزارش رسمی وزارت رفاه که داده‌های آن از پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان استخراج شده، در استان‌هایی مانند سیستان‌وبلوچستان، کهگیلویه‌وبویراحمد و لرستان، بیش از ۱۰ درصد دانشجویان از خانواده‌های کم‌درآمد (سه دهک پایین) هستند؛ رقمی که بیش از دوبرابر میانگین کشوری است و نشان می‌دهد این استان‌ها با وجود محدودیت‌های اقتصادی، امید را در دل دانشجویان زنده نگه داشته‌اند. در مقابل، در استان‌های برخورداری چون تهران، اصفهان و بوشهر سه دهک پایین سهمی کمتر از ۳ درصد دارند، جایی که امکانات آموزشی متمرکز و فرصت‌های تحصیل گسترده است؛ اما برای اقشار کم‌درآمد دسترسی محدود باقی مانده است. این شکاف نه‌تنها بازتاب تفاوت‌های درآمدی و ساختار اقتصادی مناطق است، بلکه پیامدهای ملموسی بر تحرک اجتماعی دارد. دانشجویان کم‌برخوردار در استان‌های محروم یا باید به امکانات محدود دانشگاه‌های محلی قناعت کنند، یا برای دسترسی به فرصت‌های بهتر، بار هزینه‌های زندگی در کلان‌شهرها را به دوش بکشند؛ هزینه‌ای که گاه به‌اندازه شهریه و تحصیل دانشگاهی هم سنگین است. تمرکز ظرفیت‌های آموزشی در چند استان برخوردار و سهم بالای دانشجویان پردرآمد، هم‌زمان با محدودیت زیرساخت‌ها در استان‌های کمتر برخوردار، تصویر روشنی از چالش عدالت آموزشی ارائه می‌کند. اگر دانشگاه‌ها بخواهند همچنان نقش موتور تحرک اجتماعی را ایفا کنند، بازنگری در توزیع امکانات، توسعه ظرفیت دانشگاهی در مناطق محروم و حمایت مالی هدفمند برای دانشجویان کم‌درآمد، ضرورتی انکارناپذیر است. در غیر این صورت، شکاف موجود نه‌تنها ادامه خواهد یافت، بلکه می‌تواند نسل‌های آینده را با نابرابری اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تری مواجه کند.

سهم ۳ دهک کم‌درآمد از دانشگاه زیر ۶ درصد

بررسی داده‌های پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان، نشان می‌دهد میانگین کشوری حضور دانشجویان دهک‌های یک تا سه درآمدی در دانشگاه‌های دولتی ۵٫۶ درصد است. بااین‌حال، توزیع این شاخص در استان‌های مختلف با تفاوت‌های معناداری همراه بوده و شکاف قابل‌توجهی میان استان‌های برخوردار و کمتربرخوردار مشاهده می‌شود. در صدر جدول، استان سیستان‌وبلوچستان با ثبت ۱۱٫۸ درصد قرار دارد که بیش از دوبرابر میانگین کشوری است. پس از آن، استان‌های کهگیلویه‌وبویراحمد با ۱۰ درصد و لرستان با ۹٫۹ درصد در رتبه‌های دوم و سوم جای گرفته‌اند. همچنین استان‌های اردبیل (۹ درصد)، گلستان (۸٫۳ درصد) و کردستان (۷٫۸ درصد) نیز سهمی بالاتر از میانگین کشور دارند. حضور پررنگ دانشجویان دهک‌های پایین در این استان‌ها می‌تواند بازتابی از ساختار اقتصادی منطقه و سطح درآمد خانوارها باشد.

استان‌هایی مانند خراسان شمالی با ۷٫۵ درصد، چهارمحال‌وبختیاری با ۷٫۴ درصد، هرمزگان با ۷٫۱ درصد، آذربایجان غربی با ۶٫۹ درصد، خراسان جنوبی با ۶٫۹ درصد، کرمانشاه (۶٫۵ درصد) و کرمان (۶٫۲ درصد) نیز بالاتر از میانگین کشوری قرار دارند. در ادامه، استان‌هایی نظیر خراسان رضوی با ۵٫۹ درصد، خوزستان با ۵٫۶ درصد، آذربایجان شرقی با ۵٫۵ درصد، همدان با ۵٫۳ درصد و ایلام با ۵٫۱ درصد در بازه نزدیک به میانگین کشور قرار می‌گیرند. در انتهای جدول، استان اصفهان با ۲٫۹ درصد کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. پس از آن، استان‌های بوشهر (۲.۴ درصد) و تهران (۲٫۴ درصد) در میان کمترین‌ها قرار دارند. همچنین استان‌هایی مانند مرکزی با ۳٫۴ درصد، سمنان با ۳٫۵ درصد، قزوین با ۳٫۶ درصد، گیلان با ۳٫۸ درصد، زنجان با ۳٫۸ درصد، یزد با ۳٫۹ درصد و قم با ۳٫۹ درصد نیز سهمی کمتر از میانگین کشوری دارند. مقایسه بیشترین و کمترین استان نشان می‌دهد فاصله‌ای نزدیک به ۹.۴ درصد میان سیستان‌وبلوچستان و بوشهر وجود دارد؛ شکافی که بیانگر تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی قابل‌توجه در سطح استان‌هاست. تمرکز بالاتر دانشجویان دهک‌های پایین در استان‌های کمتربرخوردار، می‌تواند نشانه‌ای از توزیع جمعیتی این دهک‌ها باشد، اما از سوی دیگر، میزان دسترسی، سیاست‌های حمایتی، ظرفیت دانشگاهی و مهاجرت تحصیلی نیز در این تفاوت‌ها نقش‌آفرین هستند.

۵۹ درصد دانشجویان در دهک‌های ۸ تا ۱۰ هستند

نمودار شکل فراوانی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی کشور براساس دهک‌بندی درآمدی خانوار به تفکیک استان نشان می‌دهد سهم دهک‌های پردرآمد (۸ تا ۱۰) از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی نزدیک به ۵۸٫۸ درصد است. درحالی‌که سهم سه دهک پایین تنها ۵٫۶ درصد است. این بدان معناست که ممکن است ماهیت عمومی دانشگاه و نقش آن به‌عنوان ابزار تحرک اجتماعی در معرض تهدید قرار گیرد. در ایران امکانات آموزشی در چند کلان‌شهر به‌ویژه در استان‌های تهران، اصفهان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی که میزبان حدود ۴۰ درصد از کل دانشجویان هستند، متمرکز شده است. ازسوی‌دیگر استان‌هایی مانند سیستان‌وبلوچستان، کهگیلویه‌وبویراحمد و لرستان باوجوداینکه بالاترین درصد دانشجویان از دهک‌های پایین درآمدی را در خود جای داده‌اند بین ۱۰ تا ۱۲ درصد، از نظر تعداد کل دانشگاه و دانشجو در رده‌های آخر کشور قرار دارند.

این توزیع نامتوازن دانشجوی کم‌درآمد را در مناطق محروم با دو چالش هم‌زمان روبه‌رو می‌کند یا باید به امکانات آموزشی محدود در استان خود قناعت کند یا برای دسترسی به فرصت بهتر بار هزینه‌های معیشت در کلان‌شهرها را به دوش بکشد. این شرایط در عمل هزینه ورود به تحصیلات عالی را برای دانشجویان کم‌برخوردار به مراتب بالا می‌برد.

تبعات توزیع نابرابر امکانات

در مجموع، داده‌های ارائه‌شده تصویری روشن از نابرابری در دسترسی به آموزش عالی در کشور ترسیم می‌کند؛ نابرابری‌ای که هم در ترکیب دهکی دانشجویان و هم در توزیع جغرافیایی امکانات آموزشی قابل‌مشاهده است. تمرکز ظرفیت‌های دانشگاهی در چند استان برخوردار و سهم بالای دهک‌های پردرآمد از صندلی‌های دانشگاه‌های دولتی، در کنار محدودیت زیرساخت‌ها در استان‌های کمتربرخوردار، نشان می‌دهد تحقق عدالت آموزشی همچنان با چالش‌های جدی مواجه است. اگر قرار است دانشگاه همچنان به‌عنوان موتور تحرک اجتماعی و فرصت‌ساز برای اقشار کم‌درآمد ایفای نقش کند، بازنگری در الگوی توزیع امکانات، تقویت حمایت‌های مالی هدفمند، توسعه ظرفیت دانشگاهی در مناطق محروم و کاهش هزینه‌های غیرآموزشی تحصیل برای دانشجویان کم‌برخوردار ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در غیر این صورت، شکاف موجود می‌تواند در سال‌های آینده به بازتولید نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در سطحی گسترده‌تر منجر شود.

۴ راهکار سیاستی برای بهبود وضعیت معیشتی دانشجویان

آمارها به‌خودی‌خود گویا هستند، اما واقعیت پشت این ارقام، زندگی روزمره دانشجویانی است که هر روز با محاسبه دقیق هزینه‌ها، حذف وعده‌های غذایی و دشواری تأمین نیازهای اولیه، برای ماندن در دانشگاه می‌جنگند. در شرایط اقتصادی موجود حتی انجام کارهای پاره‌وقت دانشجویی نیز، با توجه به دستمزدهای ناچیز، پاسخگوی نیازهای آنان نیست. این وضعیت، نه‌تنها به افت تحصیلی و آسیب‌های روانی دانشجویان منجر می‌شود، بلکه به معنای اتلاف سرمایه ملی و کاهش بازدهی نظام آموزشی است. در صورت تداوم این فشار، احتمال افزایش ناپایداری‌های اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی نسبت به کارکرد نظام آموزش عالی وجود دارد.

پیشنهادهای وزارت رفاه در گزارش خود بر اساس چهار اصل صورت‌بندی شده‌اند: طراحی اقدامات بر پایه ترکیبی یکپارچه از داده‌های معیشتی، تحصیلی و جغرافیایی دانشجویان؛ استقرار سیاست هدفمندسازی ملی حمایت‌های رفاه دانشجویی؛ استقرار چهارچوب‌های تنظیم‌گرانه برای شناسایی، ثبت، ارزش‌گذاری و اولویت‌بندی دارایی‌های رفاهی؛ و ایجاد صندوق ملی توسعه سرمایه انسانی و رفاه دانشجویی به‌عنوان یک نهاد مالی ملی با مأموریت بلندمدت. تعهد به این اصول می‌تواند ضمن پاسخگویی فوری به فشار معیشتی دانشجویان کم‌برخوردار، بستر شکل‌گیری یک نظام پایدار و هوشمند رفاه دانشجویی در کشور را فراهم کند.

۱ حکمرانی یکپارچه داده‌های رفاه دانشجویی

پراکندگی ناپیوستگی و ضعف اعتبار داده‌های مرتبط با وضعیت معیشتی دانشجویان امکان شناسایی دقیق گروه‌های هدف، پایش اثربخشی حمایت‌ها و جلوگیری از تخصیص غیرکارآمد منابع را دشوار می‌سازد؛ لذا طراحی سیاستی که بر اساس آن یک چهارچوب ملی یکپارچه برای تجمیع، به‌روزرسانی و بهره‌برداری از داده‌های رفاه دانشجویان مبتنی بر پایگاه‌های اطلاعاتی نظام رفاه اجتماعی طراحی شود ضروری است. از جمله الزامات اجرایی این سیاست ایجاد سامانه ملی رصد رفاه دانشجویی و استقرار بانک اطلاعاتی واحد دانشجویان است؛ به‌گونه‌ای که داده‌های معیشتی، تحصیلی و جغرافیایی دانشجویان به‌صورت یکپارچه تجمیع و به‌روزرسانی شود این اقدامات امکان شفاف‌سازی معیارهای شناسایی هدفمندسازی تخصیص حمایت‌ها و پایش مستمر اثربخشی سیاست‌های رفاهی را برای سیاست‌گذار فراهم می‌کند.

۲ هدفمندسازی ملی حمایت‌های رفاه دانشجویی

یکی از چالش‌های اساسی نظام رفاه دانشجویی، عدم انطباق توزیع حمایت‌های معیشتی با الگوی واقعی فقر و نابرابری درآمدی در میان دانشجویان است؛ در پاسخ به این چالش استقرار سیاست هدفمندسازی ملی حمایت‌های آن رفاه دانشجویی ضروری است؛ سیاستی که در تخصیص کلیه حمایت‌های مالی و معیشتی دانشجویان بر مبنای معیارهای استحقاق محور دهک‌بندی درآمدی خانوار و داده‌های نظام رفاه اجتماعی طراحی شده تا منابع محدود حمایتی به طور مؤثر به دانشجویان کم‌درآمد و در معرض ترک تحصیل اختصاص یابد یکی از اقدامات اجرایی مترتب بر این سیاست پیشنهادی، استقرار نظام یارانه غذایی هدفمند برای دانشجویان کم‌درآمد است؛ به‌گونه‌ای که برخورداری از این حمایت صرفاً بر اساس دهک‌بندی درآمدی و داده‌های رفاه اجتماعی تعیین شود. این ابزار می‌تواند به‌صورت یارانه اعتباری محدود به اقلام اساسی طراحی شود تا ضمن کاهش فشار معیشتی فوری از توزیع غیرهدفمند منابع و اتلاف بودجه جلوگیری شود.

۳ تنظیم‌گری برای بهره‌برداری هدفمند از دارایی‌های رفاهی

این سیاست بر استقرار چهارچوب‌های تنظیم‌گرانه برای شناسایی ثبت، ارزش‌گذاری و اولویت‌بندی دارایی‌های رفاهی تأکید دارد تا بهره‌برداری از این دارایی‌ها در چهارچوب قواعد شفاف و هماهنگ در خدمت تأمین مالی پایدار و افزایش کارایی نظام رفاه دانشجویی قرار گیرد؛ لذا پیشنهاد می‌شود کارگروهی مشترک میان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان برنامه‌وبودجه برای تسریع در آزادسازی ۹۵ ملک شناسایی شده به‌عنوان دارایی‌های قابل مولدسازی مورد ملاحظه قرار گیرد تا ملک‌های آماده به خوابگاه‌های کم‌هزینه تبدیل شود یا از طریق فروش یا واگذاری سایر املاک نقدینگی فوری صندوق‌های رفاهی تأمین شود. این اقدام مسیر دسترسی به منابع پایدار و کم‌هزینه را برای حمایت‌های فوری و میان‌مدت هموار می‌کند.

۴ ایجاد صندوق ملی توسعه سرمایه انسانی و رفاه دانشجویی

به‌منظور رفع ناپایداری مالی، کاهش وابستگی به بودجه‌های سالانه و پاسخ به شکاف ساختاری میان منابع و نیازهای نظام رفاه دانشجویی ایجاد صندوق ملی توسعه سرمایه انسانی و رفاه دانشجویی به‌عنوان یک نهاد مالی ملی با مأموریت بلندمدت پیشنهاد می‌شود این صندوق از طریق ادغام و سامان‌دهی بخشی از منابع صندوق‌های رفاه موجود، تخصیص درصدی از عواید حاصل از مولدسازی دارایی‌های آموزشی و رفاهی و تعریف و تثبیت ردیف‌های بودجه‌ای پایدار با بهره‌گیری از ظرفیت مشارکت بخش خصوصی و نهادهای عمومی تأمین مالی خواهد شد. استقرار این صندوق به‌عنوان هسته مرکزی معماری جدید حمایت دانشجویی با ارتقای شفافیت مالی و مدیریت حرفه‌ای منابع امکان برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت را فراهم کرده و با کاهش نوسانات بودجه‌ای، زمینه پایداری و اثربخشی سیاست‌های رفاهی در حمایت از دانشجویان به‌ویژه دهک‌های کم‌درآمد را تقویت می‌کند.

فراوانی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی کشور براساس دهک‌بندی درآمدی خانوار به تفکیک استانی

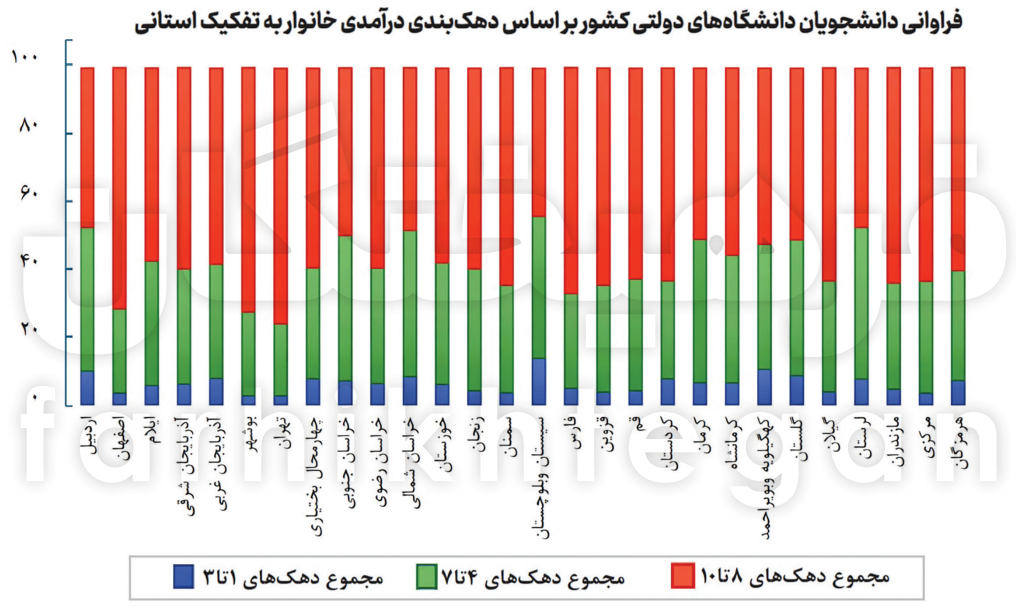

از انحصار سوئیفت تا ظهور شبکه‌های جایگزین تسویه تجاری

محمدصادق رضایی
پژوهشگر تعاملات بین‌الملل

جهان امروز بیش از هر زمان دیگری در حال گذار است. تغییرات ژئوپلیتیکی، پیشرفت‌های فناوری، رقابت‌های اقتصادی میان قدرت‌های بزرگ و نوظهور و حتی بحران‌های جهانی؛ مانند همه‌گیری‌ها و تنش‌های منطقه‌ای، ساختارهای قدیمی را به چالش کشیده‌اند. آنچه زمانی نظم ثابت و غیرقابل‌تغییر به نظر می‌رسید، حالا در معرض تحولات عمیق قرار دارد. بلوک‌های اقتصادی سنتی که عمدتاً بر پایه دلار آمریکا و نهادهای غربی شکل گرفته بودند دیگر نمی‌توانند ادعای انحصار مطلق داشته باشند. قدرت‌های نوظهور به‌ویژه در آسیا، اوراسیا و سایر نقاط جهانی در حال ایجاد زیرساخت‌های موازی هستند تا وابستگی خود را به سیستم‌های غربی کاهش دهند و استقلال مالی بیشتری کسب کنند.

یکی از بارزترین مصادیق این تحولات، گسترش و تکثیر سیستم‌های مالی و پرداختی جایگزین است. حوزه پرداخت‌های بین‌المللی که تا چند دهه پیش تقریباً کاملاً تحت سلطه یک شبکه واحد بود، حالا به صحنه رقابت سیستم‌های متعدد ملی و منطقه‌ای تبدیل شده است. این تغییرات نه‌تنها فنی، بلکه ژئوپلیتیک و استراتژیک هستند و نشان‌دهنده تلاش کشورها برای کاهش ریسک‌های ناشی از تحریم‌ها، افزایش سرعت و کاهش هزینه تراکنش‌ها و مهم‌تر از همه تقویت حاکمیت مالی خود به شمار می‌روند.

تا پیش از دهه ۲۰۱۰، سیستم سوئیفت (SWIFT) تقریباً انحصار کامل بر پیام‌رسانی مالی بین‌المللی داشت. این شبکه که از سال ۱۹۷۳ فعالیت می‌کند، امکان ارسال امن و استاندارد دستورات پرداخت میان بیش از ۱۱ هزار مؤسسه مالی در بیش از ۲۰۰ کشور را فراهم می‌کرد. این سیستم عملاً ستون فقرات پرداخت‌های فرامرزی بود و بدون آن، تجارت جهانی تقریباً فلج می‌شد. اما وابستگی بیش از حد کشورهای جهان به این سیستم پرداخت و به‌ویژه استفاده ایالات متحده و متحدان غربی از آن به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بر برخی کشورها (مانند قطع دسترسی بانک‌های ایرانی در سال ۲۰۱۲ و سپس قطع دسترسی تعدادی از بانک‌های روسی در سال ۲۰۲۲ و ادامه آن در سال‌های بعد)، نشان داد که این انحصار می‌تواند به‌راحتی به سلاحی ژئواکونومیک تبدیل شود. همین مسئله، انگیزه اصلی و قدرتمندی برای توسعه سیستم‌های جایگزین ملی و منطقه‌ای شد تا کشورها بتوانند استقلال بیشتری در حوزه مالی و پرداخت‌های فرامرزی به دست آورند و از ریسک‌های ناشی از تحریم‌های یک‌جانبه یا چندجانبه غربی در امان بمانند. این رویکرد که ابتدا در کشورهایی مانند ایران و روسیه شکل گرفت، به‌تدریج به الگویی جهانی تبدیل شده و اکنون بسیاری از قدرت‌های نوظهور و حتی برخی کشورهای غیرمتعهد در حال سرمایه‌گذاری جدی بر زیرساخت‌های پرداخت مستقل هستند. در همین راستا، امروز چندین کشور کلیدی جهان، سیستم‌های پرداخت ملی یا منطقه‌ای خود را توسعه داده‌اند که یا کاملاً مستقل از سوئیفت عمل می‌کنند یا به‌عنوان مکمل و پشتیبان آن به کار می‌روند. این سیستم‌ها نه‌تنها برای دورزدن تحریم‌ها بلکه برای تسهیل تجارت با ارزهای محلی، کاهش هزینه‌ها و افزایش سرعت تراکنش‌ها طراحی شده‌اند.

اس‌پی‌اف‌اس روسیه؛ پاسخی به تحریم‌ها

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های سیستم‌های مالی جایگزین، اس‌پی‌اف‌اس (SPFS) است که توسط بانک مرکزی روسیه توسعه‌یافته. این سیستم که معماری مشابه سوئیفت دارد، امکان انتقال امن پیام‌های مالی؛ مانند دستورات پرداخت را فراهم می‌کند. این سیستم مالی ابتدا برای پوشش داخلی روسیه و بلاروس طراحی شد، اما به‌تدریج گسترش یافت. در سال‌های اخیر، بیش از ۲۰ کشور خارجی از جمله قزاقستان، ارمنستان، قرقیزستان، چین و حتی برخی بانک‌های اروپایی مانند آلمان و سوئیس به آن پیوسته‌اند و حدود ۷۰ مؤسسه مالی خارجی از ۱۲ کشور به‌عنوان هاب‌های مالی در آن فعال هستند. هدف اصلی این سیستم مالی، تقویت استقلال مالی روسیه در برابر تحریم‌های غربی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر قطع دسترسی به سوئیفت بود. البته محدودیت‌هایی مانند ساعات کاری محدود (برخلاف ۲۴ ساعته بودن سوئیفت) و حجم پیام‌ها وجود دارد، اما روسیه در حال اتصال آن به سیستم‌های دیگر مانند سپام (SEPAM) ایران است تا پوشش بیشتری ایجاد کند.

Cips چین؛ ابزار بین‌المللی‌سازی یوان

چین نیز با راه‌اندازی سیستم مالی خود با نام سی‌آی‌پی‌اس (Cips) در سال ۲۰۱۵، گام بزرگی در راستای مقابله با نظام تک‌قطبی مالی برداشت. این سیستم برای تسهیل تسویه پرداخت‌های فرامرزی با یوان طراحی شده و هدف اصلی آن بین‌المللی‌سازی یوان و کاهش وابستگی به دلار است. این سیستم مالی، حدود ۱۲۸۰ مؤسسه مالی از ۱۰۳ کشور و منطقه را به خود متصل کرده و در یک سال اخیر حجم تراکنش‌های آن به حدود ۸۰ تریلیون یوان رسیده است. اگرچه این سیستم مالی هنوز برای بخشی از پیام‌رسانی به سوئیفت وابسته است، اما به‌تدریج مستقل‌تر می‌شود و در چهارچوب ابتکار «کمربند و جاده» نقش کلیدی ایفا می‌کند. این سیستم نه‌تنها به چین کمک می‌کند تا در برابر تحریم‌ها مقاوم‌تر باشد، بلکه یوان را به‌عنوان ارز جایگزین در تجارت جهانی مطرح می‌سازد.

سایر ابتکارات ملی و منطقه‌ای

علاوه بر این دو سیستم بزرگ، کشورهای دیگر نیز سیستم‌های خود را توسعه داده‌اند. برای مثال، هند با یو پی‌آی (UPI) پرداخت‌های دیجیتال داخلی را به سطح جهانی رسانده و در حال اتصال آن به کشورهای همسایه است. برزیل با پیک (Pix)، سیستم پرداخت آنی خود را به‌عنوان الگویی برای آمریکای لاتین معرفی کرده است. این سیستم‌ها ابتدا داخلی بودند، اما حالا در حال پیوند فرامرزی هستند. در سطح بلوک‌های نوظهور نیز، بریکس و پروژه بریکس‌پی (Brics pay) در حال پیشرفت است. این پلتفرم که نمونه اولیه آن در سال ۲۰۲۴ نمایش داده شد، قرار است در سال‌های آتی عملیاتی شود و پرداخت‌های مستقیم با ارزهای ملی میان اعضا را بدون نیاز به سوئیفت و دلار ممکن سازد. بریکس‌پی سیستم‌های ملی مانند اس‌پی‌اف‌اس، سی‌آی‌پی‌اس، یوپی‌آی و پیک را به هم متصل می‌کند و می‌تواند نقطه عطفی در کاهش سلطه دلار باشد.

پیامدهای این تغییرات چیست؟

گسترش این سیستم‌های جایگزین، جهان را به سمت یک نظام مالی چندقطبی سوق می‌دهد. جهان چندقطبی آینده، سیستم‌های مالی متفاوتی نیز خواهد داشت و دیگر نمی‌توان تنها به یک شبکه یا یک ارز واحد تکیه کرد. این تحول، نه‌تنها یک تغییر فنی ساده، بلکه بازتعریفی عمیق از ساختار قدرت اقتصادی در جهان معاصر است که در آن قدرت‌های نوظهور و بلوک‌های منطقه‌ای، زیرساخت‌های مالی موازی خود را می‌سازند تا وابستگی به سیستم‌های هژمونیک غربی را کاهش دهند.

آنچه در حال رخ‌دادن است، بیش از یک تغییر فنی است؛ این یک بازتعریف قدرت اقتصادی در جهان معاصر است. دراین‌بین، کشورهایی که بتوانند در ابتدای امر یک بلوک اقتصادی منسجم تشکیل دهند و سپس به یک سیستم پرداخت مستقل و کارآمد دست یابند، نه‌تنها در برابر شوک‌های خارجی (از تحریم‌های یک‌جانبه گرفته تا نوسانات ارزی جهانی) مقاوم‌تر خواهند بود، بلکه قدرت و اهرم بیشتری در نظم آتی جهانی به دست خواهند آورد. تشکیل این بلوک‌های اقتصادی پایه‌ای برای هماهنگی سیاست‌های مالی، تجاری و ارزی فراهم می‌کند و امکان ایجاد زیرساخت‌های پرداخت مشترک را فراهم می‌سازد. در این جهان در حال تغییر، قدرت واقعی نه‌تنها در اندازه اقتصاد، بلکه در توانایی ساختن و حفظ بلوک‌های اقتصادی مستقل و سیستم‌های مالی پشتیبان آن‌ها نهفته است. کشورهایی که این مسیر را زودتر و هوشمندانه‌تر طی کنند نقش تعیین‌کننده‌تری در شکل‌دهی به قواعد جدید بازی جهانی ایفا خواهند کرد.

دوشنبه ۴ اسفند ۱۴۰۴
شماره ۴۶۳۶
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم